

واکاوی عوامل مؤثر بر هم‌ارزی معنایی میان واژگان ناهم‌ریشه (مطالعه موردی: پی‌درپی)

سیده محبوبه کشفی^۱ - زهرا قاسم‌نژاد^۲

چکیده

بررسی خطای مترجم در انتخاب برابرزدها و یکسان‌سازی شتاب‌زده میان برابرزدهای واژگان ناهم‌ریشه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در فرایند ترجمه قرآن کریم به شمار می‌رود. پژوهش حاضر با هدف تبیین چرایی واحدپنداری مترجمان به مطالعه موردی برابرزدها «پی‌درپی» پرداخته است تا عوامل مؤثر در یکسان‌نگاری مترجمان تبیین شود. بدین منظور با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی کوشش شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که چه عواملی موجب شده است تا مترجمان برابرزدهای یکسان را برای واژگان ناهم‌ریشه‌گزینه‌کنند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که انتخاب برابرزدها «پی‌درپی» برای واژگان ناهم‌ریشه «مردفین، متتابعین، منضود، مدارار، عرف، مستمر، غیرممنون، حسوم، داب، ترتیل، تنزیل، اختلاف، تترا» از سوی برخی مترجمان، برخاسته از عوامل مساعد برای واحدپنداری و اشتباه در گزینش برابرزدها است. سبک مترجم، فقدان ساختار دستوری معادل در زبان مقصد، تکامدی واژه، واژگان مشترک و هم‌ریخت در زبان مبدأ و زبان مقصد، خلط هم‌آیندهای زبان مبدأ با زبان مقصد، تأثیرگذاری برداشت‌های تفسیری در گزینش برابرزدها، عدم یکسان‌سازی معادل‌ها برای واژگان یکسان، نبود

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول). mahboobeh.kashfi@yahoo.com.

۲. دانشیار دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. z_ghasennejad@yahoo.com

دریافت: ۱۴۰۴/۵/۱۸. پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

برابرنهاد در زبان مقصد بر مبنای دیدگاه مترجم و هم‌معنا‌نگاری مترجم، همگی از عوامل مؤثر بر برابرنهاد واحد «پی‌درپی» برای واژگان ناهم‌ریشه برشمرده شده است.

کلیدواژه‌ها: واژگان ناهم‌ریشه، واژگان هم‌معنا، ترجمه‌های فارسی قرآن،

«پی‌درپی».

* * *

۱. مقدمه

ترجمه صحیح متون اسلامی اهمیت ویژه‌ای در انتقال معارف اسلامی دارد. در این میان، ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم و تشخیص خطا و تصحیح آن، امری حائز اهمیت است. با توجه به تسلط مترجمان بر مبانی علوم اسلامی و ادبیات عرب، نسبت دادن ناآگاهی به ایشان موجه به نظر نمی‌رسد؛ با وجود این، تفاوت در مبانی نظری و رویکردهای تفسیری مترجمان، نوع مواجهه و گاه تسامح آنان در درک متن مبدأ (قرآن کریم) و انتخاب‌های واژگان معادل، عواملی هستند که می‌تواند در بروز لغزش‌ها و کاستی‌های ترجمه‌ای نقش داشته باشند. ترجمه قرآن کریم، به عنوان متنی وحیانی با ساختار زبانی پیچیده و لایه‌مند، نیازمند بررسی دقیق در سطوح گوناگون زبان‌شناختی است.

بررسی و تحلیل برابرنهادها در ترجمه‌های قرآن کریم یکی از سطوح بنیادین در ارزیابی کیفیت و دقت ترجمه‌های این متن مقدس به شمار می‌آید. هر متن زبانی برای انتقال معنا نیاز به یک ساختار واژگانی دارد، و قرآن به دلیل بلاغتش از نظام واژگانی ویژه و منظم برخوردار است. از این رو، معادل‌گزینی دقیق و هم‌راستا با حوزه معنایی واژگان قرآنی، نقشی محوری در حفظ معنا، بار مفهومی و کارکرد هر واژه ایفا می‌کند. در فرایند ترجمه، هرگونه خلل در بازنمایی مفاهیم واژگان قرآنی می‌تواند به تحریف در ادراک معنای آیات و انقطاع در پیوندهای درون‌متنی و بینامتنی بینجامد. از این رو، جستار حاضر درصدد ارزیابی، تحلیل و آسیب‌شناسی برابرنهادهای یکسان برای واژگان ناهم‌ریشه است. مترجم با در نظر گرفتن تمامی وجوه معنایی و کاربردی، ملزم به گزینش صحیح‌ترین

برابرنهاد واژه متن مبدأ است و گزینش برابرنهاد نادرست، به تعدد معادل‌های یکسان برای واژگان ناهم‌ریشه می‌انجامد.

۲. بیان مسئله

یکی از چالش‌های ترجمه، وجود برابرنهادهای واحد برای واژگان متفاوت است. در برخی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم مواردی مشاهده می‌شود که مترجم برای واژگان ناهم‌ریشه و نامترادف به انتخاب برابرنهادی یکسان بسنده کرده است. بررسی مجموع مطالعات پیشین نشان می‌دهد که پژوهشگران در حوزه ترجمه به بررسی موردی برابرنهادها پرداخته، برابرنهاد پیشنهادی نیز ارائه کردند، اما به چرایی تکرار برابرنهادها برای واژگان ناهم‌ریشه نپرداختند. گزینش برابرنهادهای یکسان از سوی مترجم بی‌تردید حاصل تأثیر مجموعه‌ای از عوامل است که مترجم را به سمت انتخاب برابرنهاد یکسان برای واژگان ناهم‌ریشه هدایت می‌کند. ضرورت واکاوی عامل یا عوامل مؤثر بر این امر، انکارناپذیر است؛ زیرا آگاهی از عوامل می‌تواند مبنایی علمی برای پیشگیری از هم‌ارزی معنایی میان واژگان ناهم‌ریشه شود و دقت مترجم در انتخاب برابرنهاد را ارتقا دهد. پژوهش حاضر با تتبع برابرنهاد «پی‌درپی» در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم می‌کوشد تا بسترهای مؤثر بر هم‌ارزی معنایی را واکاوی کند. از این رو، تمامی خطاهای مرتبط با برابرنهاد «پی‌درپی» تتبع و استخراج شد و پس از احصاء، عوامل و خاستگاه آن هم‌ارزهای معنایی تبیین گردید.

۳. پیشینه پژوهش

بررسی پدیده ترادف‌نمایی در واژگان قرآن کریم، از مباحث بنیادین در دانش مفردات و حوزه مطالعات معناشناسی قرآنی است. در نگاه نخست، بسیاری از واژگان قرآنی ممکن است مترادف تلقی شوند؛ اما با تحلیل دقیق‌تر کاربردشناختی می‌توان به تفاوت‌های معنایی قابل توجهی دست یافت. این دسته از واژگان با تفاوت‌های معنایی ظریف، «قریب‌المعنی» یا «شبه‌مترادف» خوانده می‌شوند که از جمله عناصر زبانی

هستند که فهم درست آن‌ها مستلزم توجه به بافت، روابط بینامتنی و مفهوم‌شناسی لغوی است. در همین راستا، مطالعات و پژوهش‌های مختلفی به بررسی کاربردی این نوع از واژگان پرداخته‌اند.

از جمله مهم‌ترین پژوهش‌ها در این زمینه، می‌توان به مقاله «بررسی بنیادی برخی از الفاظ قریب‌المعنی در قرآن کریم (دلالت‌ها - کاربردها)» (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۲) اشاره کرد. این پژوهش با تحلیل واژگان «حلم» و «رؤیا»، یا «حظ» و «نصیب» نشان می‌دهد که کاربرد هر واژه قرآنی در سیاق، دارای معنایی متناسب با همان سیاق بوده است و نمی‌توان معنای یکسان برای تمامی کاربردها ارائه کرد. همچنین در مقاله «فرهنگ واژه‌های قریب‌المعنی در قرآن کریم» (حسینی، ۱۳۹۸)، مجموعه‌ای از واژگان هم‌معنا به صورت توصیفی گردآوری و تفاوت‌های آن‌ها با استناد به شواهد قرآنی، تفسیری و لغوی بررسی شده است. در مقاله دیگری با عنوان «واژه‌های قریب‌المعنی و اعجاز قرآن» (اسدی، ۱۳۹۳)، نویسنده با نگاهی بلاغی و اعجاز‌شناسانه، به بررسی کاربرد دقیق و هدفمند واژگان قریب‌المعنی می‌پردازد و آن را از جلوه‌های اعجاز لفظی قرآن برمی‌شمرد. در مجموع، نتایج این مطالعات نشان می‌دهند که ترجمه دقیق قرآن بدون فهم عمیق واژه‌های قریب‌المعنی امکان‌پذیر نیست و معادل‌یابی در این حوزه، نیازمند شناخت زبان قرآن، کاربردهای سیاق و نیز وجوه بلاغی آن است.

شایان ذکر است در این پژوهش‌ها به تفاوت واژگان و کاربردها پرداخته شده است و صاحب‌نظران بر پایه پذیرش نبود مترادف مطلق در قرآن کریم به بررسی و نقد ترجمه‌ها پرداخته‌اند و ظرافت‌ها و تفاوت‌های معنایی واژگان قریب‌المعنی را در نقد ترجمه‌ها آشکار کرده‌اند؛ اما هیچ‌یک علل تأثیرگذار بر مترادف و هم‌ارزی معنایی واژگان ناهم‌ریشه را بررسی نکرده‌اند.

۴. سؤال پژوهش

این پژوهش می‌کوشد عملکرد مترجمان قرآن را درباره واژگان ناهم‌ریشه قرآنی با معادل

یکسان «پی درپی» بررسی کند و به سؤال زیر پاسخ دهد:
 مترجمان برابر نهاد «پی درپی» را برای کدام واژگان قرآنی به کار برده‌اند؟

۵. عوامل مؤثر بر هم‌ارزی معنایی میان واژگان ناهم‌ریشه

واکاوای عوامل مؤثر بر برابر نهاد های یکسان در ترجمهٔ واژگان ناهم‌ریشهٔ قرآنی، مستلزم بررسی نمونه‌های قرآنی است؛ زیرا تنها از رهگذر تحلیل مصادیق قرآنی می‌توان به درک دقیق‌تری از عوامل معناشناختی دست یافت و از هم‌ارزی معنایی پیشگیری کرد.

۵-۱. هم‌معنانگاری مترجم

تلقی مترجم از وجود وحدت معنایی یا مترادف در میان واژگان زبان مبدأ، می‌تواند به عنوان عاملی تأثیرگذار در بازنمایی مترادف میان برخی از واژگان قرآن در زبان مقصد عمل کند. این تلقی، در واقع، بازتابی از درک ذهنی مترجم نسبت به روابط معنایی درون‌زبانی است که ممکن است به هم‌پوشانی مفهومی و تضعیف تمایزات دلالتی در ترجمه بینجامد. برخی مترجمان فارسی قرآن عبارت «پی درپی» را به عنوان برابر نهاد برای واژگان «مُدْراراً» و «عُرْفاً» برگزیدند و ذهن خوانندگان را به هم‌ارزی معنایی و مترادف میان این دو واژه ناهم‌ریشه هدایت کردند. این هم‌ارزی معنایی به نظر می‌رسد که برخاسته از دیدگاه مترجمان نسبت به رابطهٔ مترادف این دو واژه باشد و به همین سبب برای هر دو واژه، برابر نهاد یکسانی گزینش شده است. در جداول زیر، نمونه‌هایی از ترجمهٔ برخی مترجمان فارسی قرآن ذکر شده که واژگان «مدراراً» و «عرف» را به معنای «پی درپی/ پیایی» در نظر گرفتند.

سوره / آیه	نام مترجم	ترجمه
﴿وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا﴾ (انعام/ ۶)	ارفع	باران‌های پی‌درپی برای آن‌ها فرستادیم.
﴿وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا﴾ (انعام/ ۶)	آیتی	برایشان از آسمان باران‌های پی‌درپی فرستادیم.

باران‌های پی‌درپی برای آن‌ها فرستادیم.	مکارم شیرازی	﴿وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا﴾ (انعام/۶)
باران آسمان را پی‌درپی بر آنان فرستادیم.	طاهری	﴿وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا﴾ (انعام/۶)
سوگند به رسولان پی‌درپی.	ارفع	﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾ (مرسلات/۷)
سوگند به بادهایی که از پی هم می‌آیند.	آیتی	﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾ (مرسلات/۷)
سوگند به آن فرشتگانی که پی‌درپی فرستاده می‌شوند.	انصاریان	﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾ (مرسلات/۷)
قسم به فرستادگان پی‌درپی.	پاینده	﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾ (مرسلات/۷)

مصطفوی، مؤلف لغتنامه‌التحقیق، ماده «د-ر-ر» را به «جاری شدن چیزی از چیز دیگر» معنا کرده، در تبیین معنای اسم «مدرار» می‌نویسد: صیغۀ «مفعال» دال بر ابزار است و گاهی نیز در معنای مبالغه به کار می‌رود. سپس ایشان در ادامه برای کاربرد اسم «مدرار» در معنای مبالغه به آیه ۶ سوره انعام استشهد و آن را به «ادامه باران و کثرت ریزش باران» معنا می‌کند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۸/۹۸-۱۰۰). راغب اصفهانی ذیل ماده «ع-ر-ف» به معنای این ماده در مشتقات مختلف می‌پردازد و اسم «عرف» را به «المعروف من الاحسان» معنا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۶۱). بنابر نظر صاحبان فرهنگ لغت، برخی از مترجمان فارسی برای واژگان «مدرار» و «عرف»، معادل‌های مناسب و صحیحی برگزیده‌اند. معادل‌های ذکر شده در جدول زیر بیانگر دقت مترجمان در انتخاب برابرزدهاست که واژه «مدرار» را به «فراوان» و واژه «عرف» را به «نیکو» معنا کرده‌اند.

سوره / آیه	نام مترجم	ترجمه
﴿وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا﴾ (انعام/۶)	امامی	از فرازشان باران فراوان فرورستادیم.
﴿وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا﴾ (انعام/۶)	آیت‌اللهی	باران را بر آنان فراوان باریدیم.

﴿وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا﴾ (انعام / ۶)	پاینده	آسمان را به باران فراوان بر آن‌ها گماشتیم.
﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾ (مرسلات / ۷)	طاهری	سوگند به بادهای فرستاده شده به وجهی نیکو.
﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾ (مرسلات / ۷)	دهلوی	قسم به بادهای فرستاده شده به وجه نیک.

۵-۲. نبود برابرنهاد در زبان مقصد بر مبنای دیدگاه مترجم

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر بروز هم‌ارزی معنایی مترجم نسبت به واژگان ناهم‌ریشه، فقدان معادل دقیق برای واژه زبان مبدأ در زبان مقصد، به شمار می‌آید. به عبارت دیگر، گاه واژه مبدأ حاوی مفهومی است که در نظام واژگانی زبان مقصد، برابری صریح یا واژه‌ای اختصاصی برای بازنمایی آن معنا وجود ندارد؛ ازاین‌رو، مترجم ناخواسته به هم‌ارزی معنایی میان واژگان ناهم‌ریشه گرایش می‌یابد. فقدان واژه برابرنهاد همان چالشی است که مونا بیکر، نظریه‌پرداز حوزه ترجمه، از معضله‌های مترجم در برقراری تعادل واژگانی برمی‌شمرد (بیکر، ۱۳۹۳: ۲۶). اگرچه فقدان واژه معادل برای برخی مفاهیم در زبان مقصد امری انکارناپذیر است و بخش مهم آن را می‌توان به تفاوت‌های زبان مبدأ و مقصد از حیث گستره واژگانی نسبت داد، این موضوع نباید به صورت پیش‌فرض برای هر دشواری در یافتن معادل و توجیه برای هر معادل نامناسب فرض شود. در واقع، ناکامی در پیدا کردن معادل تنها برخاسته از فقدان واژه در زبان مقصد نیست، بلکه بسته به میزان توانمندی علمی و تسلط مترجم بر دایره واژگانی زبان مقصد ممکن است به طور صحیح یا ناصحیح برای برخی مفاهیم اعمال شود.

با بررسی‌های انجام شده، احتمال وقوع این امر برای واژگان غیر قریب‌المعنی کمتر است و احتمال آن برای واژگان قریب‌المعنی بسیار بیشتر است؛ زیرا تفاوت‌های معنایی و کاربردی در میان واژگان قریب‌المعنی ظریف و دقیق است و براین‌اساس، انتخاب معادل نیز باید بازگویی تفاوت‌ها و ظرافت‌ها باشد. با این حال، برخی مترجمان در انتخاب برابرنهاد برای واژگان قریب‌المعنی به هم‌ارزی معنایی دچار شده‌اند و به نظر

می‌رسد که گاه این عملکرد برخاسته از باور به فقدان واژه برای بازنمایی معنای زبان مقصد بوده است. بنابراین، انتخاب برابر نهاد یکسان برای واژگان قریب‌المعنی به معنای انتخاب صحیح معادل نیست؛ زیرا برخی مترجمان دیگر، معادل‌هایی دقیق‌تر و غیر یکسان برای این دسته از واژگان برگزیده‌اند.

افزودنی است که توجه مترجم به بافت، عاملی مهم در انتخاب معادل دقیق است و این مسئله به خصوص در میان واژگان قریب‌المعنی مشهودتر است (داود، ۲۰۰۸: ۱۰). اینک در جدول زیر دو واژه قریب‌المعنی از مترجم قرآن، انصاریان، گزارش می‌شود که دو واژه «متتابعین» و «مردفین» را به معنای واحد «پی‌درپی» ترجمه کرده است:

ترجمه	نام مترجم	سوره / آیه
من مسلماً شما را با هزار فرشته که پی‌درپی نازل می‌شوند، یاری می‌دهم.	انصاریان	﴿أَتَىٰ مُّمَدِّكُمْ بِاللَّيْلِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُزْدَفِينَ﴾ (انفال/۹)
کسی که توانایی [آزاد کردن برده را] ندارد، دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد.	انصاریان	﴿فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ﴾ (مجادله/۴)

بنابر ترجمه انصاریان، دو واژه «مردفین» و «متتابعین» هر دو به معنای «پی‌درپی» هستند؛ اما نظر صاحبان اهل لغت حاکی از معنایی دیگر است که بازنگری در انتخاب معادل برای این دو واژه ضرورت دارد. ریشه «ر-د-ف» در لغت به معنای «وقوع شیء عقیب آخر بحيث أن یكونا فی سلك واحد» است که همان قرارگیری اشیاء در کنار یکدیگر به صورت نظم یافته است و ریشه «ت-ب-ع» به «القفو و الحركة خلف شیء مادئ أو معنوی عملاً أو فکراً» معنا شده است که همان چگونگی حرکت اشیاء پس از دیگری است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۴/۱۰۷-۱۰۸). بنابراین، تمایز این دو واژه در آن است که «ردف» بیانگر نظم و همراهی مکانی است، در حالی که «تبع» بر پیوستگی و دنباله‌روی در بُعد زمانی دلالت دارد. طبق آیه، فرد باید به تبع روزه روز قبل، روز بعد را نیز روزه بگیرد و بدین ترتیب دو ماه را به همین شیوه باید کامل روزه بگیرد؛ اما معنای «مردفین» چگونگی

قرارگیری فرشتگان در کنارهم است و بنا بر آیه هزار فرشته به صورت منظم و ردیف شده در کنار یکدیگر قرار گرفتند. حال با توجه به تفاوت این دو واژه می‌توان با انتخاب معادل‌هایی مناسب‌تر، فرق میان دو واژه را برای مخاطب مشخص کرد. به نظر نگارندگان، معادل مناسب برای «مردفین»، واژه «نظم یافته/ منظم» و معادل مناسب برای «متتابعین»، واژه «پیوسته/ پی‌درپی» است.

نمونه‌ای دیگر از برابرنهاد یکسان برای واژگان قریب‌المعنی، انتخاب برابرنهاد «پی‌درپی» برای هر دو واژه «منضود» و «متتابعین» است. آیتی از جمله مترجمانی است که هر دو واژه را به معنای «پی‌درپی» گرفته است.

سوره / آیه	نام مترجم	ترجمه
﴿أَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سَجِيلٍ﴾ (هود/۸۲)	آیتی	بر آن شهر بارانی از سنگ‌هایی از سجیل، پی‌درپی، فرو باریدیم.
﴿فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ﴾ (نساء/۹۲)	آیتی	و هر کس که بنده‌ای نیابد برای توبه دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد.

منابع لغوی تفاوت معنایی میان این دو واژه را ذکر کرده‌اند. مؤلف کتاب التحقیق پس از ذکر معنای ریشه «ن - ض - د»، تفاوت معنایی دو ماده «نضد» و «تبع» را تبیین کرده است. مصطفوی ماده «نضد» را چنین معنا کرده است: «التحاق و تضمم في أجزاء شيء أو فيما بين الأشياء بحيث تصير مرتبطة كأنها شيء واحد»؛ پیوستن و درآمیختن اجزاء یک چیز یا چند چیز با یکدیگر است که میان آن‌ها ارتباطی منسجم و یگانه پدید آید، به گونه‌ای که گویی همه یک شیء را تشکیل می‌دهند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۲/۱۵۳-۱۵۴). بنابراین، ماده «نضد» همان پیوستگی کامل بدون وجود فاصله (یکپارچگی) است؛ اما «تبع» پیروی کردن یا حرکت کردن پس از حرکت چیزی - اعم از مادی و معنوی - است (همان، ۳۷۷/۸) که این پیروی یا حرکت ممکن است با فاصله یا بدون فاصله باشد. با توجه به تعریف مؤلف کتاب التحقیق از «نضد» می‌توان برابرنهاد «متراکم» را برای این واژه

صحیح دانست که برخی مترجمان از جمله ابراهیمی، ارفع، برزی، پورجوادی و حجتی نیز همین برابرنهاد را انتخاب کرده‌اند.

۵-۳. یکسان‌سازی نکردن معادل برای کاربرد قرآنی واحد

یکی از اصول مهم در ترجمه، رعایت اصل یکسان‌سازی است که برخی از صاحب‌نظران بر این مهم بسیار تأکید دارند (خرم‌شاهی، ۱۳۸۸: ۴۸۸). یکسان‌سازی معادل‌ها در ترجمه به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن، مترجم در مواجهه با واژگان یا ساخت‌های هم‌سیاق در زبان مبدأ، از معادل‌های هماهنگ و ثابت در زبان مقصد استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، از آنجا که خدای حکیم برخی واژگان قرآنی را در سیاقی واحد تکرار می‌کند، باید این تکرار در زبان مبدأ به تکرار برابرنهاد در زبان مقصد نیز انتقال یابد. اهتمام نداشتن مترجمان نسبت به اصل یکسان‌سازی ممکن است که برخاسته از شتاب مترجمان در ترجمه و ناآگاهی از مواضع جملات و آیات مشابه باشد (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۳۹). شتاب‌زدگی و بی‌دقتی مترجمان در ترجمه واژگان دارای سیاق مشابه، اغلب موجب انتخاب معادل‌های متفاوت برای واژگان هم‌ریشه و هم‌معنا می‌شود. از سوی دیگر، همین بی‌توجهی به اصل یکسان‌سازی در ترجمه واژگان یکسان و هم‌سیاق، احتمال آن را افزایش می‌دهد که مترجم در مواضع دیگر برای واژگان ناهم‌ریشه - از لحاظ معنایی متفاوت - معادل‌های همسان استفاده کند. به بیان دیگر، فقدان نظام‌مندی در انتخاب معادل‌ها به نوعی همسانی نابه‌جا می‌انجامد که مرزهای معنایی واژگان در زبان مقصد را مخدوش ساخته، سبب تکرار برابرنهادهای یکسان برای واژگان متفاوت می‌گردد. از این رو، رعایت اصل یکسان‌سازی معادل‌ها در سیاق‌های مشابه نه تنها برای حفظ دقت معنایی، بلکه برای پیشگیری از هم‌پوشانی نادرست در ترجمه واژگان ناهم‌ریشه ضروری است.

نمونه مورد نظر در جدول زیر، واژه «مِدرارا» است که با سیاقی یکسان در دو سوره قرآن کریم به کار رفته است؛ اما مترجم فارسی‌زبان، فولادوند، دو معادل متفاوت «فراوان» و

«پی درپی» را برای این واژه به کار برده و اصل یکسان سازی را در مثال زیر رعایت نکرده است. قابل توجه است که مترجم برای دیگر واژه قرآنی «عُرْفَا» - به رغم نداشتن ریشه هم سان - همان معادل «پی درپی» را برگزیده است. به این ترتیب، تکرار معادل و یکسان سازی غیرضروری برابرهاها برای دو واژه ناهم ریشه رخ می دهد.

سوره / آیه	نام مترجم	ترجمه
﴿يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا﴾ (هود/۵۲)	فولادوند	[تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد.
﴿وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا﴾ (انعام/۶)	فولادوند	[باران های] آسمان را پی در پی بر آنان فرو فرستادیم.
﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾ (مرسلات/۱)	فولادوند	سوگند به فرستادگان پی در پی.

واژه «مَنْصُود» نمونه دیگری است که مترجم برای کاربرد آن در دو سوره هود و واقعه، برابرهاهای متفاوتی را برگزیده است. آیتی برای این واژه برابرهاهای «پی درپی» و «چیده شده» را انتخاب کرده است و ایشان برای واژه «عُرْفَا» نیز از معادل «پی هم» استفاده کرده است. بنابر نمونه های گزارش شده، مترجم برای تکرار یک واژه - متشابه لفظی - دو برابرها متفاوت را انتخاب کرده و برای دو واژه ناهم ریشه از یک برابرها در ترجمه استفاده کرده است.

سوره / آیه	نام مترجم	ترجمه
﴿أَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ﴾ (هود/۸۲)	آیتی	بر آن شهر بارانی از سنگ هایی از سَجِيل، پی در پی، فرو باریدیم.
﴿وَظَلِحَ مَنْصُودٍ﴾ (واقعه/۲۹)	آیتی	و درخت موزی که میوه اش بر یکدیگر چیده شده.
﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾ (مرسلات/۱)	آیتی	سوگند به بادهایی که از پی هم می آیند.

مترجم دیگری، پاینده، واژه «مُسْتَمِر» را با دو معادل متفاوت «مستمر/ پرشامت» برگردانده و همچنین از معادل «مستمر» برای واژه ناهم‌ریشه «غَيْرَ مَمْنُونٍ؛ پایان‌ناپذیر، بی‌کران» استفاده کرده است. شایان ذکر است که ایشان معادل «مستمر» را به دلیل کاربرد رایج آن در فارسی و آشنایی ذهنی خوانندگان، به عنوان برگردانی مستقل برگزیده و آن را ترجمه نکرده است.

ترجمه	نام مترجم	سوره / آیه
و اگر معجزه‌ای بیند روی بگردانند و گویند جادویی است <u>مستمر</u> .	پاینده	﴿وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَ يَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ﴾ (قمر/۲)
و ما طوفانی سخت به روزی شوم پرشامت بر آن‌ها فرستادیم.	پاینده	﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ﴾ (قمر/۱۹)
و تو را پاداشی هست <u>مستمر</u> .	پاینده	﴿وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ﴾ (قلم/۳)

شاهد مثال‌های یادشده بیانگر آن است که برخی مترجمان از لزوم رعایت اصل یکسان‌سازی معادل‌ها غافل بوده، معادل‌های متفاوت را برگزیدند.

۴-۵. خلط هم‌آیندهای زبان مقصد با زبان مبدأ

چالشی دیگر که مترجمان در برگرداندن متن مبدأ به زبان مقصد با آن مواجه می‌شوند، هم‌آیندها است. لارسن مواجهه مترجمان با هم‌آیندها را مهم‌ترین چالش برشمرده است (لارسن، ۱۹۸۴: ۱۴۱-۱۴۴). منظور از هم‌آیندها، کنارهم آمدن دو یا چند واژه با بسامد بالا و در یک پیکره زبانی است که نمی‌توان وقوع این واژگان را در کنارهم تصادفی دانست (پالمر، ۱۳۸۱: ۱۶۱). به عبارت دیگر، شیوه ترکیب منظم دو یا چند واژه را هم‌آیند گویند (بیکر، ۱۳۹۳: ۶۱). تشخیص صحیح هم‌آیندها در زبان مبدأ امری ضروری در ترجمه

است. در برخی موارد، مترجمان به دلیل ناآشنایی یا تسلط ناکافی بر هم‌آیندهای زبان مبدأ، در ترجمه آن‌ها دچار خطا می‌شوند. از جمله چالش‌های رایج در این زمینه می‌توان به ترجمه لفظ به لفظ هم‌آیندها، ناتوانی در انتخاب معادل دقیق، ناآگاهی از وجود هم‌آیند در زبان مبدأ، و برداشت نادرست از هر توالی واژگان به عنوان هم‌آیند اشاره کرد (همان، ۷۱). به نظر می‌رسد آشنایی ذهنی مترجم با هم‌آیندهای زبان مادری و خلط آن با هم‌آیندهای زبان مبدأ، عامل اصلی در تشدید این چالش است. در واقع، فهم مترجم از هم‌آیند زبان مبدأ به صورتی است که آن ترکیب و توالی واژگان را هم‌آیند متداول زبان مقصد می‌پندارد و بدین ترتیب، معادلی ناشناخته از زبان مبدأ ارائه می‌کند که این همان اثرپذیری متن مبدأ از زبان مقصد است. در جدول زیر نمونه‌ای از ترجمه آیه ۷ سوره حاقه گزارش می‌شود که مترجمان مذکور، توالی واژگان «سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا» را هم‌آیند برداشت کردند و بدین سبب، برابرنهاد درستی برای واژه «حسوما» انتخاب نکردند.

ترجمه	نام مترجم	سوره / آیه
که [خدا] آن را هفت شب و هشت روز <u>پیاپی</u> بر آن‌ها گماشت.	طاهری	﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا﴾ (حاقه/ ۷)
خدا آن را هفت شب و هشت روز <u>پیاپی</u> بر آنان مسلط کرد.	صفوی	﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا﴾ (حاقه/ ۷)
که خدا آن را هفت شب و هشت روز <u>پی</u> <u>درپی</u> بر آنان مسلط کرد.	انصاریان	﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا﴾ (حاقه/ ۷)
آن عذاب را هفت شب و هشت روز <u>پی</u> <u>درپی</u> بر آنان بگماشت.	آیتی	﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا﴾ (حاقه/ ۷)
[که خدا] آن را هفت شب و هشت روز <u>پیاپی</u> بر آنان بگماشت.	فولادوند	﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا﴾ (حاقه/ ۷)

به نظر می‌رسد که علت برداشت نادرست مترجمان، الگوهای مشابه این نوع عبارت‌ها در زبان فارسی است. به همین سبب، معادل «هفت شب و هشت روز پی‌درپی» را انتخاب کرده‌اند، در حالی که «حسوم» بر مبنای نظر برخی صاحبان فرهنگنامه‌ها به معنای «بنیان‌کن، ریشه‌کن» است. ابن فارس (۳۹۵ق) ریشه «ح - س - م» را با یک اصل معنایی به «ریشه‌کن کردن شیء» معنا کرده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵۷/۲). ابن‌درید (۳۲۱ق) و جوهری (۳۹۳ق) معنای ماده «حسوم» را «از بین بردن چیزی به‌طور مطلق» نوشته، مترادف دانستن آن با «متتابع» را دیدگاهی ضعیف شمردند (جوهری، ۱۴۰۷: ۱۸۹۹/۵؛ ابن‌درید، ۱۴۲۸: ۵۳۴/۱). مفسران در ذیل آیه وحدت نظر نداشته و تفاسیر متعددی از جمله «پی‌درپی، دائم، شوم و پلیدی، قطع و جدایی و قطع نسل» را ارائه کرده‌اند؛ اما با قرینه بافتار متنی به نظر می‌رسد که معنای «ریشه‌کن» معادل مناسب‌تری است. افزون بر آنکه برخی مفسران نیز معنای «ریشه‌کن» را ضعیف نشمرده و آن را در تفسیر خود نقل کرده‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۷/۱۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۳۹/۵؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۲۵۵/۱۰؛ صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶: ۸۶/۲۹).

نمونه‌ای دیگر از برداشت نادرست از هم‌آیندها را می‌توان در ترجمه آیه ۴۷ سوره یوسف مشاهده کرد که در جدول زیر گزارش می‌شود:

ترجمه	نام مترجم	سوره / آیه
هفت سال <u>پی‌درپی</u> بکارید.	آیتی	﴿قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا﴾ (یوسف/ ۴۷)
هفت سال <u>پی‌پی</u> کشت می‌کنید.	پاینده	﴿قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا﴾ (یوسف/ ۴۷)
هفت سال <u>پی‌درپی</u> می‌کارید.	فولادوند	﴿قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا﴾ (یوسف/ ۴۷)
باید هفت سال <u>متوالی</u> زراعت کنید.	الهی قمشه‌ای	﴿قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا﴾ (یوسف/ ۴۷)

مترجمان نام برده در جدول بالا عبارت «سَنَعِ سِنِينَ دَأْبًا» را به «هفت سال پی در پی / هفت سال پی‌پی / هفت سال متوالی» ترجمه کردند که به نظر می‌رسد مترجم در مواجهه با «سَنَعِ سِنِينَ» معادل را همچون هم‌آیند عدد و معدود در زبان فارسی در نظر گرفته و همین موجب شده است واژه «دأب» را به درستی ترجمه نکند. از این رو، خوانندگان ترجمه نیز چنین تصور می‌کنند که «پی در پی» معادل واژه «دأب» است. در نتیجه می‌توان گفت که خلط هم‌آیند زبان مقصد با زبان مبدأ به ترجمه اشتباه و معادل‌گزینی ناصحیح انجامیده است. با تتبع در منابع لغت می‌توان دریافت که ریشه «دأب» به معنای متوالی و پی در پی نیست، بلکه به معانی «عادت، کوشش، اصرار، پابندی» آمده است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳ / ۱۷۰). افزودنی است که معادل صحیح از سوی برخی مترجمان همچون حجتی و رضایی ارائه شده است و آنان معادل واژه «دأب» را «با جدیت» دانسته‌اند (حجتی، ۱۳۸۴: ۲۴۰؛ رضایی، ۱۳۸۳: ۲۴۰). همچنین مترجمانی دیگر از جمله انصاریان، طاهری، مصباح‌زاده و یاسری به ترتیب برابرزادهای «با تلاش پیگیر»، «به طور عادی»، «بر عادت مستمر» و «به عادت» را انتخاب کرده‌اند (انصاریان، ۱۳۸۳: ۲۴۰؛ طاهری، ۱۳۹۸: ۲۴۰؛ مصباح‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۴۰؛ یاسری، ۱۴۱۵: ۲۴۰).

۵-۵. فقدان ساختار دستوری زبان مبدأ در زبان مقصد

مواجهه مترجم با ساختارهای زبان عربی که برابرزاده مستقیم آن‌ها در زبان مقصد وجود ندارد، فرایند یافتن برابرزاده مناسب را به طور قابل توجهی پیچیده و دشوار می‌سازد. ساختار مفعول مطلق از جمله ساختارهای دستوری است که در زبان عربی رایج بوده، در زبان فارسی شباهت ساختاری ندارد. مفعول مطلق در علم نحو، مصدری از فعل جمله است که برای بیان تأکید، نوع یا عدد به کار می‌رود (سیوطی، ۱۴۱۷: ۲۲۱/۱). با توجه به اینکه مفعول مطلق در ساختار نحوی به فعل وابسته است، مترجمان معادل قیدی مرتبط با فعل را در زبان فارسی انتخاب می‌کنند. در واقع، برخی از دستورنویسان بر این باور هستند که «قید» در زبان فارسی همان برابرزاده دستوری «مفعول مطلق» در زبان عربی است (خیام‌پور، ۱۳۴۴: ۸۲-

۸۳). این معادل قیدی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: الف) قید تأکید و کیفیت: «سخت، سختی، به‌نیکی، به‌شدت، به‌خوبی، چنان‌که باید، به‌دقت، کاملاً و...» (ناظمیان، ۱۳۸۶: ۴۳؛ ب) قید تشبیه: «به‌سان، همانند، همچون، مثل»؛ ج) قید مقدار، تعداد یا تکرار: «صد، هزار، دوبار، چندین بار»؛ د) قید نفی: «هیچ، هرگز، اصلاً، به‌هیچ‌وجه» (قلی‌زاده، ۱۳۷۹: ۳). مترجمان گاه معادلی را برای مفعول مطلق تأکیدی گزینش می‌کنند که معنای دیگری به غیر از معنای مفعول مطلق به ذهن خواننده متبادر می‌کند.

سوره / آیه	نام مترجم	ترجمه
﴿رَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً﴾ (فرقان/ ۳۲)	پاینده	آن را اندک اندک و پیاپی فرستادیم.
﴿نُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلاً﴾ (فرقان/ ۲۵)	ارفع	فرشتگان پی‌درپی نازل می‌گردند.
﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلاً﴾ (انسان/ ۲۳)	پاینده	ما قرآن را به تو وحی کرده‌ایم وحی پیاپی.

در جدول بالا، مترجمان عبارت مفعول مطلق تأکیدی را با عبارت «پی‌درپی / پیاپی» ترجمه کردند و این در حالی است که برخی دیگر از مترجمان معادل‌های دقیق و مناسب «به‌سرعت / به‌فراوانی / به‌تدریج» را برگزیدند. از این رو، انتخاب معادل ناصحیح به تکرار معادل برای واژگان ناهم‌ریشه انجامیده است.

۵-۶. سبک مترجم

یکی از عوامل مؤثر در تکرار واژه‌های یکسان در متن مقصد برای واژگان نامترادف متن مبدأ، سبک مترجم در ترجمه است. آگاهی از سبک مترجم، به نقد و ارزیابی بهتر متن ترجمه کمک کرده، ارزیابی را دقیق‌تر و منصفانه‌تر خواهد کرد. سبک‌های ترجمه بر مبنای اهداف مترجم به انواع لغوی (لفظ به لفظ)، تحت‌اللفظی، وفادار، معنایی (محتوایی)، ترجمه تفسیری و ترجمه آزاد قابل تقسیم است (جوهری، ۱۳۹۵: ۳۵-۴۷). سبک تفسیری و سبک آزاد، از جمله سبک‌هایی هستند که بیشترین تکرار واژگان یکسان را برای واژگان ناهم‌ریشه دارند؛ زیرا مترجم در این دو سبک بر آن است که

توضیحاتی را در حین معادل‌یابی‌ها بیفزاید تا مفاهیم متن مبدأ را بهتر تفهیم کند؛ به طور مثال، در ترجمهٔ مکارم شیرازی مواردی مشاهده می‌شود که جزء برابر نهادها نیستند و مترجم برای تفهیم بیشتر، توضیح و اضافهٔ تفسیری را افزوده است. گنجاندن توضیحات تفسیری در متن ترجمه، در برخی موارد سبب شکل‌گیری برداشت‌ترادف میان واژگان آیه و واژه‌ای ناهم‌ریشه می‌گردد؛ پدیده‌ای که می‌تواند به هم‌پوشانی معنایی و اختلال در تفکیک مفهومی واژگان در ترجمه بینجامد. در جدول زیر، مثال‌هایی از تکرار عبارت «پی‌درپی» در ترجمهٔ مکارم شیرازی یاد می‌شود که برابر نهاد برای متن قرآن نیست و مترجم آن را برای توضیح و تفهیم بیشتر ذکر کرده است.

سوره / آیه	نام مترجم	ترجمه
﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَنَعٍ لِيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا﴾ (حاقه/۷)	مکارم شیرازی	(خداوند) این تندباد بنیان‌کن را هفت شب و هشت روز پی‌در پی بر آن‌ها مسلط ساخت.
﴿لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَنِي يَدْيِهِ وَ مِّنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِّنْ أَمْرِ اللَّهِ﴾ (رعد/۱۱)	مکارم شیرازی	برای انسان، مأمورانی است که پی‌در پی، از پیش رو، و از پشت سرش او را از فرمان خدا [حوادث غیرحتمی] حفظ می‌کنند.
﴿فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمٍ﴾ (قمر/۱۱)	مکارم شیرازی	در این هنگام درهای آسمان را با آبی فراوان و پی‌در پی گشودیم.

۵-۷. تکامدی واژه

فراوانی کاربردهای قرآنی عامل مهم دیگری است که تشخیص برابر نهاد را برای مترجم سهل یا دشوار می‌کند. تشخیص برابر نهاد با افزایش فراوانی مشتقات یک ماده در قرآن، سهل تر خواهد شد و بالعکس، فراوانی کم مشتقات یک ماده تشخیص معنا را دشوار می‌کند. دشواری تشخیص برابر نهاد برای واژگان تکامد دوچندان خواهد بود؛ زیرا واژگان تکامد قرآن کریم به سبب تک‌کاربردی بودن و کم بودن قرائن، تشخیص معادل را برای مترجم دشوارتر می‌کنند. به بیان دیگر، یکی از عواملی که فهم معنای واژه را آسان می‌کند،

کاربردهای مختلف آن در متن است و در صورت قلت تکرار یا تکامد بودن، توجه بیشتر به متون موازی و معاصر با آن اهمیت بیشتری می‌یابد (کریمی‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۵۳). از این رو، می‌توان چنین گفت که عامل مؤثر دیگر در هم‌ارزی معنایی میان واژگان ناهم‌ریشه، تکامدهای قرآن کریم است. به میزان توانمندی مترجم در یافتن معادل دقیق برای تکامد، احتمال ذکر برابرنهاد یکسان با دیگر واژگان ناهم‌ریشه نیز کاهش می‌یابد.

واژه «حسوما» با یک مرتبه کاربرد در آیه ۷ سوره حاقه جزء واژگان تکامد قرآن کریم است: «سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ». از مترجمان فارسی قرآن کریم، فولادوند، این واژه را همچون دیگر واژگان «متتابعین، مردفین، تترا و اختلاف» به معنای «پیایی» ترجمه کرده است. به بیانی دیگر، مترجم واژه «حسوم» را با چهار واژه ناهم‌ریشه هم‌معنا دانسته است که در جدول زیر با ذکر نام سوره و شماره آیه گزارش می‌شود.

ترجمه	نام مترجم	سوره / آیه
[که خدا] آن را هفت شب و هشت روز پیایی بر آنان بگماشت.	فولادوند	«سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا» (حاقه/۷)
و هر کس [بنده] نیافت، باید دو ماه پیایی - به عنوان توبه‌ای از جانب خدا - روزه بدارد.	فولادوند	«فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ» (نساء/۹۲)
من شما را با هزار فرشته پیایی، یاری خواهم کرد.	فولادوند	«أَنِّي مُمَدِّدُكُمْ بِالْفِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ» (انفال/۹)
باز فرستادگان خود را پیایی روانه کردیم.	فولادوند	«ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا» (مؤمنون/۴۴)
[و نیز در] پیایی آمدن شب و روز.	فولادوند	«وَ اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ» (جاثیه/۵)

۵-۸. اشتراک واژگان هم‌ریخت در زبان مبدأ و زبان مقصد

واژگان هم‌ریخت به آن دسته از واژگان اطلاق می‌شود که در دو زبان مبدأ و مقصد از لحاظ صورت آوایی و نوشتاری دارای تشابه یا یگانگی اند. این همانندی صوری می‌تواند سبب بروز خطای معنایی در فرایند ترجمه گردد؛ بدین معنا که مترجم، تحت تأثیر شباهت ظاهری واژه، به صورت ناخودآگاه معنای رایج آن در زبان مقصد را به عنوان معادل برگزیده، از تفاوت‌های معنایی موجود در زبان مبدأ و زبان مقصد غافل شود. این گونه غفلت مترجم از درک معنای دقیق در مواجهه با واژگان هم‌ریخت در دو زبان مبدأ و مقصد، «فارسی‌زدگی» نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، فارسی‌زدگی در ترجمه به معنای تبادل ناخواسته معنای فارسی به ذهن مترجم و غفلت از معنای صحیح واژه در حین ترجمه متون است (خنیفرزاده و آشتیانی، ۱۳۹۴). مترجم فارسی‌زبان در مواجهه با واژگان مشترک در هر دو زبان مبدأ و مقصد به طور ناخودآگاه همان معنای رایج در زبان مقصد را به عنوان برابر نهاد انتخاب می‌کند. در واقع، اشتراک واژه از جهت آوا و نوشتار در دو زبان موجب برداشت مترجم به هم‌ارزی معنایی می‌شود و مترجم بدون مراجعه به فرهنگ‌نامه‌های لغت و بررسی معنای واژه در زبان مبدأ، معنای کاربردی و رایج در زبان مقصد را انتخاب می‌کند. بنابراین، مترجم در مواجهه با واژگان مشترک در زبان مبدأ و زبان مقصد باید به فرهنگ‌نامه‌های لغت مراجعه کند تا بتواند برابر نهاد دقیق و متناسب با زبان مبدأ را گزینش کند. نادیده گرفتن این عامل در ترجمه واژگان قرآن کریم موجب می‌شود که برابر‌نهادهای یکسان برای واژگان ناهم‌ریشه قرآنی ایجاد شود. نمونه قرآنی واژه «مستمر» در جدول زیر بیانگر همین امر است که در هر دو زبان عربی و فارسی از جهت نوشتار و آوا یکسان است؛ اما کاربرد متفاوتی در دو زبان دارد. با این حال، در برخی ترجمه‌ها برابر نهاد همان معنای متداول در زبان فارسی است.

ترجمه	نام مترجم	سوره / آیه
و گفتند که این سحری است <u>پی‌درپی</u> .	حجتی	﴿وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ﴾ (قمر/۲)
و می‌گویند سحری است <u>پی‌درپی</u> .	ترجمه برگرفته از تفسیر المیزان	﴿وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ﴾ (قمر/۲)

واژه «مستمر» از جمله واژگان هم‌ریختی است که برخی مترجمان همان معنای متداول در زبان فارسی - پی‌درپی - را به عنوان برابر نهاد برگزیدند؛ اما ریشه «م - ر - ر» در فرهنگنامه‌های لغت زبان عربی به «عبور کردن و رفتن» (ابن‌درید، ۱۴۲۸: ۲۴۷/۱۰) و «استحکام و قوت» (ازهری، ۱۴۱۴: ۱۴۱/۲۵؛ جوهری، ۱۴۰۷: ۱۴۰/۲) معنا شده است. بنابراین انتخاب برابر نهاد نامناسب برای واژگان هم‌ریخت می‌تواند احتمال هم‌ارزی معنایی با دیگر واژگان قرآنی را افزایش دهد.

۹-۵. تأثیر آراء تفسیری بر معادل‌گزینی مترجم

سطح دانش مترجم نسبت به تفسیر آیات قرآن کریم نقشی مؤثر بر ترجمه صحیح آیات قرآن دارد؛ اما نکته حائز اهمیت در این بخش، تأثیرگذاری دانش تفسیری مترجم بر گزینش معادل‌ها و انتقال تفسیر در متن ترجمه است. آراء تفسیری نقشی تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری مترجم بر فرایند معادل‌گزینی را ایفا می‌کنند؛ به‌ویژه در مورد آیاتی که مفسران برداشت‌های تفسیری گوناگونی ارائه کرده‌اند. اتفاق نظر نداشتن مفسران در تفسیر آیات چالش‌برانگیز موجب می‌شود که مترجمان بر مبنای یک دیدگاه منتخب، معادل‌هایی را در ترجمه ارائه دهند و بدین ترتیب، احتمال انتخاب معادل‌های هم‌سان با دیگر واژگان ناهم‌ریشه قرآنی بیشتر خواهد بود. شاهد مثال برای تأثیرگذاری تفسیر در گزینش معادل‌های هم‌سان، فعل «وَصَلْنَا» در آیه ۵۱ سوره قصص است: ﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾. مفسران در تبیین معنای «وَصَلْنَا» اتفاق نظر نداشتند و مجموع اقوال را می‌توان در سه مورد جمع‌بندی کرد: الف) اتصال از حیث محتوا و مضامین؛ بدین معنا که قرآن به صورت جدا

از هم نازل شده و با این حال، خداوند مضامین را به یکدیگر متصل و مرتبط کرده است تا به تذکر و هشدار نزدیک تر باشند؛ چنان که میان انواع مباحث قرآنی اعم از وعده و وعید، معارف، احکام، قصص، عبرت ها، حکمت ها، مواعظ، اخبار انبیاء و هلاکت اقوام، پیوستگی محتوایی وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۱۶/۷۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۴/۶۰۷؛ ب) اتصال از حیث زمان؛ برخی مفسران پیوستگی را در زمان نزول دانسته اند که خداوند قرآن کریم را به هم پیوسته و بدون وقفه زمانی میان آیات و سوره نازل کرده است (فضل الله، ۱۴۳۹: ۱۴/۱۴۰؛ ج) تفصیل و بیان کردن؛ برخی دیگر از مفسران بر این باور هستند که مراد از این عبارت قرآنی، تفصیل و بیان کردن است (طبرسی، ۱۴۰۸: ۷/۴۰۳). اینک در جدول زیر تأثیرپذیری مترجمان فارسی از اختلاف تفسیری آیه ۵۱ سوره قصص گزارش می شود:

سوره / آیه	نام مترجم	ترجمه
﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾ (قصص/۵۱)	ارفع	ما آیات خود را پی در پی برای آنان آوردیم.
﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾ (قصص/۵۱)	انصاریان	ما این قرآن را برای آنان پی در پی و به هم پیوسته [به صورت سوره ای پس از سوره ای و آیه ای بعد از آیه ای] آوردیم.
﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾ (قصص/۵۱)	ابراهیمی	همانا ما گفتار خود (قرآن) را پیای پی به آنان (مشرکان) رساندیم.
﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾ (قصص/۵۱)	طاهری	این گفتار را پیای پی بر آن ها عرضه کردیم.
﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾ (قصص/۵۱)	صفوی	همانا این سخن را پیای پی، آیه ای پس از آیه دیگر و سوره ای پس از سوره دیگر، به آنان رساندیم.
﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾ (قصص/۵۱)	فولادوند	و به راستی، این گفتار را برای آنان پی در پی و به هم پیوسته نازل ساختیم.

معادل‌های آمده در جدول بالا با توجه به نظر تفسیری «توالی و بدون انقطاع زمانی» است. انصاریان در ترجمه آیه مورد نظر عبارت «پی‌درپی آوردیم» را ارائه کرده است که ایشان همین معادل را برای عبارت «قَفَّيْنَا» در سوره حدید نیز آورده است. انصاریان ذیل آیه «ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا» (حدید/۲۷) چنین ترجمه کرده است: «سپس به دنبال آنان پیامبران خود را پی‌درپی آوردیم». برابر نهاد «پی‌درپی آوردیم» برای دو ماده ناهم‌ریشه «وصل» و «قفو» تکرار شده است و این در حالی است که صاحبان کتاب لغت برای این دو ماده، معنای متفاوت از یکدیگر بیان کردند. مصطفوی ذیل ماده «قفو» می‌نویسد: «وقوع شیء عقیب شیء آخر» که به معنای وقوع یا تحقق رویدادی پس از رویدادی دیگر است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳۰۱/۹) و معنای ماده «وصل» را پیوستن و متصل کردن اعم از مادی و معنوی تعریف کرده و معنای مخالفش را «فصل» برشمرده است (همان، ۹۶/۹). با مقایسه این نمونه می‌توان دریافت که اتکای مترجم بر دیدگاه‌های تفسیری در فرایند معادل‌گزینی، از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری معادل‌های هم‌سان و هم‌ارزی معنایی در ترجمه به‌شمار می‌آید و در نهایت، زمینه برداشت مترادف میان واژگان ناهم‌ریشه را در ذهن خوانندگان ترجمه فراهم می‌آورد. در جدول زیر، ترجمه‌های گزارش شده با تکیه بر نظر تفسیری «پیوستگی محتوایی» برای عبارت قرآنی «وَصَّلْنَا» است:

آیه / سوره	نام مترجم	ترجمه
«وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ» (قصص/۵۷)	گرمارودی	و ما برای آنان این گفتار را به هم پیوستیم.
«وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ» (قصص/۵۷)	برزی	و به‌راستی برای آنان سخن را به هم پیوستیم.
«وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ» (قصص/۵۷)	الهی قمشه‌ای	و همانا ما برای (هدایت) این مردم (آیات قرآن را) سخن پیوسته (یعنی مرتب و مربوط به سعادت دنیا و آخرت خلق) آوردیم.
«وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ»	ایران‌پناه	و ما برای ایشان، سخن را به سخن ربط دادیم.

		(قصص/۵۱)
و ما این قرآن را به سخنان پیشین ربط دادیم.	کاویان پور	﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾ (قصص/۵۱)

نمونه گزارش شده در جدول زیر، از تفسیر آسان، تألیف محمدجواد نجفی خمینی است که تعبیر «وَصَّلْنَا» را به «بیان کردیم» ترجمه کرده است. این معادل «بیان کردن» برای واژه ناهم ریشه قرآنی «صرف» نیز در ترجمه ایشان مشاهده می شود؛ چنان که عبارت قرآنی ﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ﴾ (اسراء/۴۱) در ترجمه نجفی خمینی چنین آمده است: «و ما قطعاً مواعظی را در این قرآن بیان کردیم». به عبارت دیگر، برای دو ماده «وصل» و «صرف» از معادل یکسان استفاده شده است. صاحبان کتب لغت برای این دو ماده دو معنای متفاوت بیان کرده اند: «الصرف: هو ردّ شيء من جهة الى جهة اخرى أو تحويله الى حالة اخرى» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۶/۲۳۲) و معنای ماده «وصل» را به «هو مطلق ما يقابل الفصل» (همان، ۱۲۵/۱۳) معنا کرده اند. همان طور که ذکر شد معنای ماده «صرف» برگرداندن یا تبدیل چیزی از حالتی به حالت دیگر است و معنای ماده «وصل» همان اتصال و پیوستگی است که مخالف معنای «فصل» است. تفاوت معنایی میان این دو واژه ناهم ریشه بیانگر آن است که نمی توان معادل یکسان برای هر دو در نظر گرفت.

سوره / آیه	نام مترجم	ترجمه
﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾ (قصص/۵۱)	نجفی خمینی	و ما قول (یعنی هر یک از آیات قرآن) را پس از دیگری برای آنان بیان کردیم.

نمونه ای دیگر از تأثیرگذاری تفسیر در گزینش معادل های همسان، عبارت قرآنی ﴿إِنِّي أَرْى﴾ در آیه ۱۰۲ سوره صافات و آیه ۴۳ سوره یوسف است که فعل «أَرَى» بر حسب زمان مضارع، به مضارع اخباری ترجمه شده است و افزون بر آن، برخی مترجمان با توجه به دیدگاه تفسیری خواب مکرر حضرت یعقوب عليه السلام معنای «پی درپی (مکرر) می بینم» را برای برابرهاد برگزیدند و قید «پی درپی / مکرر» را اضافه کردند که اینک در جدول زیر

گزارش می‌شود:

سوره / آیه	نام مترجم	ترجمه
﴿إِنِّي أُرَى فِي الْمَنَامِ﴾ (صافات/۱۰۲)	صفوی	من مکرر در خواب می‌بینم.
﴿إِنِّي أُرَى﴾ (یوسف/۴۳)	انصاریان	پی‌درپی در خواب می‌بینم.

اما گروهی دیگر از مترجمان با چشم‌پوشی از دیدگاه تفسیری یا باور نداشتن به دیدگاه مذکور، برابرزادهای «دیدم، دیده‌ام» را در ترجمه‌های خود ارائه کردند.

سوره / آیه	نام مترجم	ترجمه
﴿إِنِّي أُرَى فِي الْمَنَامِ﴾ (صافات/۱۰۲)	ارفع	من در خواب دیده‌ام.
﴿إِنِّي أُرَى فِي الْمَنَامِ﴾ (صافات/۱۰۲)	امامی	در خواب دیده‌ام.
﴿إِنِّي أُرَى فِي الْمَنَامِ﴾ (صافات/۱۰۲)	آیتی	در خواب دیده‌ام.
﴿إِنِّي أُرَى فِي الْمَنَامِ﴾ (صافات/۱۰۲)	حجتی	من در خواب دیده‌ام.
﴿إِنِّي أُرَى فِي الْمَنَامِ﴾ (صافات/۱۰۲)	مکارم شیرازی	من در خواب دیدم.
﴿إِنِّي أُرَى فِي الْمَنَامِ﴾ (صافات/۱۰۲)	برزی	به‌راستی من در خواب دیدم.
﴿إِنِّي أُرَى فِي الْمَنَامِ﴾ (صافات/۱۰۲)	پاینده	من به خواب دیدم.

۶. نتیجه‌گیری

در این نوشتار، تمام برابرزادهای «پی‌درپی» در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم بررسی و تتبع شد. برپایه بررسی انجام شده، مترجمان در برخی ترجمه‌های قرآن کریم، برابرزاده «پی‌درپی» را برای مجموعه‌ای از واژگان قرآنی به کار برده‌اند که اگرچه در ظاهر ممکن است دارای شباهت‌هایی باشند، از نظر ریشه‌شناسی و معنایی، واژگانی ناهم‌ریشه و ناهم‌معنا به شمار می‌روند. این واژگان عبارت‌اند از: «مردفین، متتابعین، منضود، مدار، عرف، مستمر، غیرممنون، حسوم، دأب، ترتیل، تنزیل، اختلاف و تتر». استفاده از برابرزاده مشترک برای واژگان ناهم‌ریشه، حاکی از نوعی یکسان‌انگاری معنایی از سوی مترجمان است که دقت و تفاوت‌های ظریف معنایی در آن‌ها نادیده گرفته شده است. بنابراین،

چنین معادل‌های یکسان و هم‌ارزی معنایی برابرنهادهای واژگان ناهم‌ریشه را نمی‌توان به ناآگاهی مترجم یا وضع نشدن معادل برای واژه مورد نظر در زبان مقصد منحصر کرد، بلکه باید توجه داشت که عوامل گوناگونی در شکل‌گیری و تقویت این واحدپنداری مترجمان نسبت به واژگان ناهم‌ریشه نقش داشته‌اند. عواملی همچون سبک ترجمه خاص هر مترجم، نبود ساختارهای دستوری مناسب در زبان مقصد، تکامدی برخی واژگان، شباهت‌های صوری میان واژگان در زبان مبدأ و مقصد، خلط هم‌آیندها، تأثیرپذیری از برداشت‌های تفسیری، نبود موازنه و یکسان‌سازی در انتخاب واژگان هم‌کاربرد و یکسان، نبود برابرنهاد دقیق در زبان مقصد از دید مترجم و تلقی اشتباه از ترادف واژگانی را می‌توان برشمرد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن کریم، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۳. ابراهیمی، محمد حسین، ترجمه قرآن کریم، انتشارات تأمین، قم، ۱۳۹۴ ش.
۴. ابن درید، ابوبکر محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۴۲۸ ق.
۵. ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابوحیان، محمد بن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۷. ارفع، کاظم، ترجمه قرآن کریم، فیض کاشانی، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۸. ازهری، محمد بن احمد، *معانی القراءات*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۹. استادولی، حسین، ترجمه قرآن کریم، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. اسدی، لیلا، «واژه‌های قریب المعنی و اعجاز قرآن»، *بینات*، سال بیست و یکم، شماره ۴، ۱۳۹۳ ش.
۱۱. امامی، ابوالقاسم، ترجمه قرآن کریم، سازمان اوقاف و امور خیریه، قم، ۱۳۷۰ ش.
۱۲. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن کریم، سازمان اوقاف و امور خیریه، قم، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. ایران‌پناه، اکبر، ترجمه قرآن کریم، پیک فرهنگ، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۱۴. بیضاوی، عبدالله بن عمر، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. بیکر، مونا، *به عبارت دیگر*، ترجمه علی بهرامی، رهنما، تهران، ۱۳۹۳ ش.
۱۶. پالمر، فرانک، *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، ترجمه کورش صفوی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۱ ش.

۱۷. پاینده، ابوالقاسم، ترجمه قرآن کریم، جاویدان، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۱۸. ثعلبی، احمد بن محمد، *الكشف والبيان فی تفسیر القرآن: تفسیر الثعلبی*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۱۹. جواهری، سید محمد حسن، *روش‌شناسی ترجمه قرآن کریم*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۵ ش.
۲۰. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد، *الصاحح تاج اللغة و صحاح العربیه*، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. حجتی، مهدی، *گلی از بوستان خدا*، بخشایش، قم، ۱۳۸۴ ش.
۲۲. حسینی، مریم سادات، «فرهنگ واژه‌های قریب‌المعنی در قرآن کریم»، معرفت‌دین، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۸ ش.
۲۳. خرمشاهی، بهاء‌الدین، *بررسی ترجمه‌های امروزی فارسی قرآن کریم*، مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی، قم، ۱۳۸۸ ش.
۲۴. خنیفرزاده، علی و بدری واعظی آشتیانی، «آسیب فارسی‌زدگی در فهم حدیث با تأکید بر ترجمه‌های نهج البلاغه»، *فصلنامه علمی - پژوهشی علوم حدیث*، سال بیستم، شماره ۷۸، ۱۳۹۴ ش.
۲۵. خیام‌پور، عبدالرسول، *دستور زبان فارسی*، کتاب‌فروشی تهران، تهران، ۱۳۴۴ ش.
۲۶. داود، محمد محمد، *معجم الفروق الدلالية فی القرآن الکریم لیبیان الملامح الفارقة بین الألفاظ متقاربة المعنی والصیغ والأسالیب المتشابهه*، دارغریب، قاهره، ۲۰۰۸ م.
۲۷. دهخدا، علی‌اکبر، *لغتنامه فارسی*، چاپخانه مجلس شورای ملی، تهران، ۱۳۳۴ ش.
۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۲۹. رضایی، محمد علی، *ترجمه معنایی قرآن*، مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، قم، ۱۳۸۳ ش.
۳۰. سیوطی، عبدالرحمن، *البهجة المرضیة فی شرح الالفیه*، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
۳۱. صادقی تهرانی، محمد، *الفروق فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۳۲. صفوی، محمدرضا، *ترجمه قرآن کریم*، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۸ ش.
۳۳. طاهری قزوینی، علی‌اکبر، *ترجمه قرآن کریم*، قلم، تهران، ۱۳۹۸ ش.
۳۴. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۵۲ ق.
۳۵. طاهری قزوینی، علی‌اکبر، *قرآن مبین*، قلم، تهران، ۱۳۹۸ ش.

۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۳۷. طهماسبی، عدنان، سعدالله همایونی و ابوالفضل بهادری، «بررسی بنیادی برخی از الفاظ قریب المعنی در قرآن کریم (دلالت‌ها - کاربردها)»، *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۲ش.
۳۸. فخررازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر؛ مفاتیح الغیب*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۳۹. فضل الله، محمد حسین، *من وحی القرآن*، دارالملاک للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۳۹ق.
۴۰. قلی زاده، حیدر، «مفعول مطلق و معادل ساختاری آن بر اساس ساختار زبانی قرآن کریم»، *بینات*، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۳۷۹ش.
۴۱. کریمی نیا، مرتضی، *یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن، ساخت‌های زبان فارسی و مسئله ترجمه قرآن*، انتشارات هرمس، تهران، ۱۳۸۹ش.
۴۲. کریمی نیا، مرتضی، «تکامل در قرآن: تحلیلی بر واژه‌ها و ترکیبات تک کاربرد در قرآن کریم»، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، سال دوم، شماره ۴۷، ۱۳۹۳ش.
۴۳. مصباح زاده، عباس، *ترجمه لفظی قرآن*، بدرقه جاویدان، تهران، ۱۳۸۰ش.
۴۴. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، مرکز نشر آثار مصطفوی، تهران، ۱۳۶۸ش.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، *ترجمه قرآن کریم*، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۳۸۹ش.
۴۶. موسوی گرمارودی، علی، *ترجمه قرآن کریم*، قدیانی، تهران، ۱۳۸۴ش.
۴۷. ناظمیان، رضا، *فن ترجمه (عربی-فارسی)*، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۶ش.
۴۸. یاسری، محمود، *ترجمه قرآن کریم*، بنیاد امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۱۵ق.
49. Larson, M. L. (1984). *Meaning-based translation: A Guide to Cross-language Equivalence*. University Press of America.